

خرداد؛ ظهور دین سیاسی با محوریت امام (ره)

بی‌تردید هیچ دگرگونی و انقلابی بی‌ریشه و علت پدید نمی‌آید و بسترها و عوامل بسیاری در شکل‌گیری آن مؤثر است.



بی‌تردید هیچ دگرگونی و انقلابی بی‌ریشه و علت پدید نمی‌آید و عوامل بسیاری در شکل‌گیری آن مؤثر است.

انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست و ریشه هایش در تاریخ گذشته مبارزات ملت ایران علیه استبداد قرار دارد.

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن 57 نهالی بود که در نتیجه قهرمانی‌ها و جانبازی‌های زنان و مردان ایران زمین در روز تاریخی 15 خرداد 42 کاشته شد و راه قیام را برای نسل‌های آینده گشود.

این قیام، سرآغاز تحولات و دگرگونی‌های شگفت‌آوری شد که تغییراتی بنیادین در ساختار سیاسی - اجتماعی ایران ایجاد کرد و تاثیر عمیقی بر ماهیت فرهنگی - فکری ایران نهاد.

در این دوره تحولاتی همچون رحلت آیت‌الله بروجردی و پررنگ شدن مرجعیت امام خمینی (ره)، انرژی تحول و دگرگونی را به حوزه علمیه قم هدایت کرد و اعتراضات مردم ایران رنگ و محتوای مذهبی‌تری به خود گرفت.

حرکت امام در جوّ ملتهب آن دوران، باعث شد انرژی انقلابی ملت که از سال 39 به فوران آمده بود و در بحران هویت و رهبری دست و پا می‌زد پشت سر مذهب و روحانیت قرار گرفت و حرکتی عظیم را شکل داد.

عوامل شکل دهنده قیام

قیام 15 خرداد محصول یک سلسله رویارویی و مبارزه بود که در درجه اول اجرای دکترین اصلاحات آمریکایی‌کندی را در ایران مغایر با ارزش‌های ملی و مذهبی کشورمان می‌دانست.

با روی کار آمدن دموکرات‌ها در سال 1960 و پیروزی‌کندی تغییراتی در سیاست خارجی آمریکا روی داد که آثار آن بر ایران نیز منعکس شد.

کندی برخلاف پیشینیان معتقد به سیاست منعطف‌تر در رویارویی با بحران‌ها بویژه در کشورهای جهان سوم بود و روی کار آمدن دولت‌های غیر نظامی دست‌نشانده از جمله ابزارهای وی برای رسیدن به این هدف به شمار می‌رفت.

کندی در بعد اقتصادی نیز رونق اقتصاد سرمایه‌داری را دنبال می‌کرد که لازمه آن، داشتن بازار مصرف گسترده و قدرت خرید بیشتر مردم بود و برای رسیدن به چنین هدفی لازم بود که ساختار سیاسی - اجتماعی در جوامع جهان سوم فراهم شود.

چنین رویکردی ایجاب می‌کرد، شاه که خود را پس از کودتای 28 مرداد مدیون آمریکا می‌دانست، برای ادامه سلطنت، از سیاست‌های جدید کندی پیروی کند که محصول این سیاست، طرح شعارهای آزادی احزاب و فضای باز سیاسی و اصلاحات اداری بود.

اولین اقدام دولت 171#&؛ اسدالله علم؛ نخست‌وزیر وقت نیز در اجرای این سیاست جدید تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در هیأت دولت بود.

در این لایحه به لزوم حذف اسلام از شرایط نمایندگی مجلس و لزوم سوگند به کتاب آسمانی به جای قرآن و ضرورت آزادی زنان در فعالیت‌های اجتماعی اشاره شده بود که همه اینها مقدمه‌ای برای اسلام‌زدایی و محو ارزش‌های اسلامی در جامعه ایران بشمار می‌رفت و با مخالفت قاطع امام (ره)، علما، وعاظ و مراجع مواجه شد و ارسال نامه‌های سرگشاده به شاه و مقاومت مستمر در برابر این اقدام علم را ناچار کرد که آذر 1341 طرح خود را پس بگیرد. در حقیقت حضور پررنگ امام در سلسله وقایعی که به حذف این لایحه منجر شد، عرصه را به رژیم که فضا را برای دین‌ستیزی مهیا می‌دانست تنگ کرد.

اما علم در مرحله بعد وعده تحقق 171#&؛ انقلاب سفید؛ را داد و تصمیم گرفت نقشه‌های آمریکا را در قالب دیگری احیا کند. شاه نیز در بهمن 1341 با سفر به قم تلاش کرد طرح 171#&؛ انقلاب سفید؛ را برای مردم توجیه و میان علما و مراجع حوزه علمیه تفرقه ایجاد کند. با وجود این شاه توسط مردم و روحانیون تحریم شد و چنین مخالفت آشکاری طوری خشم شاه را برانگیخت که وی از روحانیت به عنوان ارتجاع سیاه یاد کرد.

اما از نیمه دوم سال 41 و به دنبال قضیه لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی، نگاه دولت و ملت متوجه قم و امام (ره) شد.

ایشان در این مرحله با اعلام عزای عمومی در نوروز 1342 و تحریم جشن های نوروزی، نقشه های ضداسلامی شاه و توطئه ایجاد اختلاف در حوزه علمیه را خنثی کرد.

فاجعه قیام آفرین

این مقاومت و هوشیاری، زمینه ساز حمله به فیضیه در فروردین 1342 و یورش مأموران رژیم شاه به مجلس سوگواری شهادت امام جعفرصادق (ع) شد و در این حمله مردم و طلاب مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به رگبار بسته شدند.

حضرت امام (ره) پس از اطلاع از این فاجعه، سخنرانی تندی علیه شاه کرد و در اعلامیه ای، منشأ سرکوبگری و ظلم؛ یعنی شاه را نشانه رفت.

عاشورای سال 42

روشنگری های امام (ره) همچنان ادامه داشت و ایشان با تبلیغات و اقدامات خود، طی حدود دو ماه، حادثه فیضیه را تا نزدیک محرم و عاشورای 1383 هـ . ق ادامه داد. حکومت با وضع به وجود آمده، تصمیم گرفت محدودیت هایی را برای عزاداری ایجاد کند.

به همین دلیل وعظ از سخنرانی علیه شاه، اسرائیل و آمریکا منع شدند؛ اما شهر قم شاهد سخنرانی تاریخی امام علیه شخص شاه، آمریکا و اسرائیل بود.

این سخنرانی به منزله رویارویی مستقیم و آشکار با حکومت به شمار می رفت و نشان می داد که امام، روحانیت و مردم، به نقطه غیرقابل بازگشتی با دستگاه رسیده اند.

طی حدود 24 ساعت بعد از این سخنرانی، رژیم سریعاً عکس العمل نشان داده و مأموران شاه، نیمه شب 15 خرداد، امام را به تهران منتقل و به زندان قصر بردند.

صبح 15 خرداد، مصادف با دوازدهم محرم، خبر دستگیری امام در سراسر ایران منتشر شد و مردم بشدت عکس العمل نشان دادند و در حد وسیعی اعتراض کردند.

با توجه به دستگیری امام، مأموران شاه که از قبل آمادگی کامل داشتند، به مردم حمله کرده و جمعی را شهید و برخی را مجروح کردند.

در این میان کفن پوشان ورامین که در اعتراض به دستگیری مرجع خود از این شهرستان عازم تهران بودند و تعداد زیادی از آنها توسط نیروهای رژیم به خاک و خون کشیده شدند نقش برجسته تری در آن رویداد تاریخی داشتند.

به این ترتیب قیام 15 خرداد به شکلی خودجوش و مردمی و بدون برنامه ریزی قبلی حمایت از رهبر دینی و یاری آرمان های متعالی اسلام را متجلی ساخت و شهرها و مناطق مختلف ایران را در بر گرفت.

پیامدهای قیام 15 خرداد 1342

قیام 15 خرداد، اگرچه در ظاهر با شکست روبه رو شد، اما تأثیرات بلندمدت خود را بر روند سیاسی و اجتماعی ایران باقی گذاشت.

این قیام موجب فراگیری حضور تمام گروه ها، قشرها و طبقات اجتماعی در روند مبارزه علیه استبداد شاه شد.

از نظر باطنی و درونی، علت اصلی نهضت 15 خرداد بازیابی هویت اسلامی ایران و تلاش در جهت حاکمیت ارزش های اخلاقی و دینی بود.

اسلامی بودن این جنبش در شخصیت رهبر آن – که مرجع تقلید و فقیه حوزه علمیه بود – جلوه گر شده و مذهبی بودن نهضت امام(ره) و حضور نیروهای مذهبی در این قیام و قاطعیت امام در این زمینه موجب اعتماد قشرهای عظیمی از مردم ایران به این نهضت شده بود.

این نهضت به هیچ قشر خاصی تعلق نداشت و آنچه مردم را به یکدیگر پیوند می داد اسلام بود. با حضور در این قیام مردم در مبارزه ای قدم نهادند که ادامه آن برای آنها مانند نماز و روزه، شرعاً واجب بود.

در نتیجه استقبال بیشتری از این قیام شد و حضور فراگیر جامعه در این قیام موجب شد آگاهی مردم نسبت به آنچه بر آنها می گذشت بیشتر شده و مبارزات آنها تکامل بیشتری یابد.

در جریان این قیام و مبارزه بود که روحانیت و حوزه علمیه به بلوغ سیاسی بیشتری رسید و باورهایی که مانع از حضور روحانیت در عرصه سیاست می شد و جدایی دین از سیاست را تبلیغ می کرد کمرنگ و روحانیون نیز به حضور بیشتر در مبارزه تشویق شدند.

در عین حال مذهب به عنوان یک الگو برای مبارزه با استبداد معرفی شد و نیروهای مبارز نیز توجه بیشتری به این موضوع پیدا کردند.

پیش از 15 خرداد مذهب در میان بسیاری از دانشجویان و تحصیلکرده ها و روشنفکران به عنوان مکتبی که اساس و راهنمای مبارزه محسوب می شد، مورد توجه نبود، اما این قیام مذهب را که در سایه اتهامات قرار گرفته بود به عرصه آورد و توجه بسیاری از جوانان دانشگاهی، نویسندگان و روشنفکران را به خود جلب کرد.

وحدت مقدس روحانی و دانشگاهی و فیضیه و دانشگاه که از آرمان های اصلی انقلاب اسلامی و از اصول اجتماعی مبارزه امام خمینی است، در حقیقت با قیام 15 خرداد پایه گذاری شد.

قیام 15 خرداد چهره منافقانه و ریاکارانه شاه را برای مردم ایران آشکار کرد. پیش از 15 خرداد، از آنجا که تضاد میان اسلام و سلطنت به صراحت اعلام نشده بود شاه تلاش می کرد خود را حامی دین و مردم نشان دهد و خود را سایه خدا بر مردم می دانست.

او گاهی از مرجعیت و روحانیون طرفداری می کرد و با تظاهر به مذهبی بودن ، برای خود در میان توده مردم مسلمان ، کم و بیش پایگاهی دست و پا کرده بود. اما این رویداد نشان داد اقبالی به دین ندارد و از حمایت روحانیون نیز برخوردار نیست.

در 15 خرداد شاه ناچار شد ماهیت ضددینی و ضداسلامی خود را آشکار کند و همین موضوع یکی از عوامل سقوط وی شد.

در این قیام برخلاف عموم حرکت ها و مبارزه های قبل ، امام، شاه را هدف اصلی خود قرار داده بود و او را مقصر اصلی بدبختی های مردم می دانست .

مردم در 15 خرداد 1342، با فریاد مرگ بر شاه رویاروی وی ایستادند و این روند را تا 22 بهمن 1357 و سقوط رژیم شاهنشاهی ادامه دادند. از سوی دیگر بیگانه ستیزی این جنبش با باورهای ملی مردم ایران مبنی بر استقلال هماهنگی داشت.

امام خمینی از همان آغاز آمریکا، انگلیس و شوروی را عامل بیچارگی مردم ایران معرفی و مبارزه با بیگانگان را آغاز کردند. مردم ایران عالی ترین جلوه استقلال سیاسی را که ناشی از استقلال مکتبی بود در نهضت امام خمینی مشاهده می کردند.

نهضت 15 خرداد هیچ نوع گرایشی ، نه در مکتب و نه در عمل ، به بیگانه نداشت و لبه تیز این قیام متوجه آمریکا و اسرائیل بود.

مبارزه با صهیونیسم جهانی و عوامل داخلی آنها از جمله انگیزه های امام در این قیام بود. از سوی دیگر غرب و شرق نیز با موضعگیری های منفی در مقابل این قیام در برابر مردم ایران بی اعتبار شد.